

## جایگاه کلنل علینقی وزیری

۲۴۷

جایگاه واقعی یکی از برجسته‌ترین و خادمین موسیقی ایران را باید با زمان، محیط، و امکانات در مقایسه با خدماتی که انجام داده بررسی کرد. این خادم بزرگ در زمانی شکوفا شد که واپس ماندگی جامعه ایران را فرا گرفته بود موسیقیدان در جامعه جایی نداشت و مطرح نبود و بقول اکثر متشرقین یک موسیقیدان را پایین سفره می‌نشانند. کلنل وزیری بود که موسیقی را به مدارس برد، او بود که موسیقی‌ها را از جنبه مطربی رهناید، او بود که اولین مدرسه موسیقی علمی را در این مملکت تأسیس کرد، او بود که اکثر قریب به اتفاق هنرمندان بزرگ کشور را برای نسلهای بعدی خود آماده کرد. صبا، خالقی، معروفی و دیگران را می‌توان نام برد. خادمین قبل از کلنل چون فرصت شیرازی - مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) جای خوبی دارند ولی خدمات وزیری چیز دیگری بود و جای دیگری دارد.

کلنل علینقی وزیری مقام و شخصیت خاصی به موسیقیدانان داد و برای شخصیت و اعتبار اصرار داشت در این زمینه حکایتی است که بد نیست همه بدانند. و آن حکایت: کلنل وزیری پس از اینکه اوائل قرن اخیر مدرسه موسیقی را تأسیس کرد در آن مدرسه یک ارکستر بزرگ با شرکت تعداد زیادی از دانشجویان و هنرمندان و نوازندگان آن زمان به روی صحنه آورد که آنها با لباس‌های یکدست و مرتب تفسیر نهائی برای نشان دادن روش جدید ترتیب می‌دادند.



● کلنل علیبنی وزیر

در آن زمان روزی رضاشاه میهمانی داشت که مسؤل یکی از کشورهای خارج بود و از کلنل وزیر خواسته شد که زمانیکه آن میهمان سر سفره ناهار است این ارکستر نیز و به نواختن مشغول باشد و قطعاتی از موسیقی ایرانی را بنوازد.

کلنل وزیر با قاطعیت درخواست رضاشاه را رد کرد و گفت موسیقیدانان دارای شخصیتی هستند که بخود اجازه نمیدهند که در موقع صرف ناهار به نواختن پردازند ما متأسفیم، و این کار را نمی‌کنیم ولی اگر بخواهید بعد از صرف ناهار در یک سالن دیگر نوازندگان آماده‌اند برنامه‌ای اجرا کنند. البته رضاشاه کلنل وزیر را از مدرسه موسیقی اخراج و او خانه‌نشین شد.

زمانیکه ما از کلنل وزیر خواستیم که نظرش را در مورد مجله موزیک ایران بدهد چنین نوشت «از من خواسته‌اید که درباره مجله موزیک ایران ابراز نظر کنم، آیا می‌توانم جز اینکه پایداری و همت شما را بستایم سخن دیگری بگویم، من به محتوی اثر شما کاری ندارم، همین قدر که توانسته‌اید در این محیط نامساعد مجله‌ای مربوط به موسیقی را چندین سال بی‌وقفه انتشار بدهید حقیقتاً شایسته تحسین و تمجید می‌باشد درباره مطالب موزیک ایران باید بگویم گو اینکه نسبت به سالهای قبل تغییرات کلی یافته و آموزنده‌تر شده است، لیکن این کافی نیست امیدوارم در دوره جدید طریق کمال بییاماید و در اشاعه موسیقی علمی ایرانی توفیق بیشتری یابد» من معتقدم آنچه درباره کلنل وزیر نوشته شده شرح زندگی، تالیفات، آثار و نحوه



● کتبل علیقی وزیرى در کنار لطف‌الله معتم بیان (اواخر سالهاى ۱۳۶۰)

نوازندگی در مورد او کافی نیست این نوع نوشته‌ها درباره همه هنرمندان صادق و خوب است ولی کلنل وزیر نجات دهنده هنر موسیقی از گرداب بود او با ایجاد انقلابی به منظور شناسایی موسیقی در کشور و خارج خدمتی کرد جاودانی.

آرژانسکو هم در کشور رومانی همین وظیفه را داشت و حالیه نام او علاوه بر اینکه بر سر زبانهاست همه سالها جشنهایی بنام او بر پا می‌کنند و چهارراه‌ها و کنسرواتوارهای هم به نام اوست. در کشورهای دیگر نام و عکس این هنرمندان را روی اسکناس‌ها چاپ می‌کنند (دولا کروا نقاش - روبوسی موسیقیدان) زیرا آنها هستند که زندگی خود را فدای هنر کشورشان می‌کنند. چه بهتر که ما هم راه آنها را در پیش گیریم.

این چند کلمه را با نوشته‌ای از علی دشتی که متجاوز از پنجاه سال قبل تحریر شده و خواننده را به دنیای دیگری می‌برد خاتمه می‌دهم:

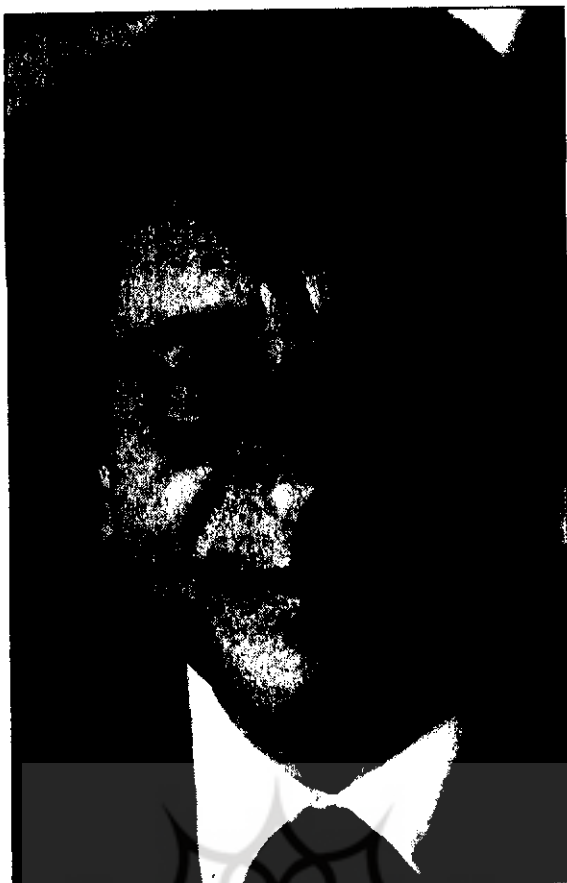
### تار زدن کنل علی‌نقی وزیری

#### از دیدگاه سناتور علی دشتی

... وزیری وقتی روح مرا تکان می‌دهد که کاسه تار را مثل طفل عزیزی در آغوش می‌گیرد و پیشانی هوشمند او بر روی آن خم شده و سرانگشتان او مثل اطفال بی خیال بر روی دسته تار پشت سر هم می‌دوند آن وقت وزیری همه امواج دریا، ضجه دریا، غرش آبشار، زمزمه جویبار، ناله گردبادها، آهنگ عاشقه نسیم با شاخسارها را بگوش شما می‌رساند باد مضراب بر روی سیمهای تار همان حکایت‌های را که آبهای کف آلود به صخره‌های رودخانه و بادها بر برگ‌های سبز خوانده‌اند برای شما می‌سراید، چشم شما چیزی نمی‌بیند، بر روی کاسه تار دستی مثل قلب مضطرب عاشقی در ضربان و خفقان است، بر روی دسته تار سرانگشتان مثل تلاعب امواج پشت سر هم در آمد و شدند ولی گوش ضجه‌های یاس فریادهای امید، ناله‌های ناکامی، نعره‌های شادمانی، گریه‌های تلخ، خنده‌های شیرین، تضرع و استغاثه، رجز و حماسه، ضعف و خشونت، ناز و نیاز، رقت و قساوت، شفقت و بی‌رحمی را می‌شنود و صداها اطوار روح بشری در مقابل تخلیه شما مجسم می‌شود.

وقتی وزیری می‌خواهد ساز بزند بجای اینکه با درنگ درنگ نامطبوع کوک تار گوش شما را خسته کند، یک صدای با ابهت و عظمت، مثل طنین ناقوس در میان فضای خلوت کلیسا، یا صدای زنگ ساعتهای بزرگ در میان ظلمت و سکوت شب، افتتاح آواز را اعلام می‌کند در اولین مضرابی که بروی همه سیمها آشنا می‌کند بدرجه‌ای شکوه و عظمت و ابهت خوابیده است که به منزله دیباچه کتاب از نغمه‌های آینده صحبت می‌کند.

شما وقتی ساز وزیری را گوش میکنید هیچوقت اشعه افکارتان بواسطه تجدید کوک تار در



● مهندس عبدالحمید اشراق

وسط آواز پاره نمی‌شود و حتی در انتقال از قطعه به قطعه دیگر وزیری محتاج تجدید کسوف نیست.

وقتی وزیری تار می‌زند مناظر مختلفه از برابر روح شما می‌گذرد گاهی در صبح بهار میان یک باغ خرم و پر از طراوت مهممه معانقه شاخسارها را می‌شنوید، گاهی در تاریکی و سکوت مطلق شب صدایی زنگ قافله، گاهی بر کمرهای ساکوه و صخره‌هایی پاک و روشن رود صدایی باشکوه آبشار را منعکس می‌بینید. گاهی رقص مستانه دو عاشق، گاهی ناله مایوسانه یک مادر گاهی رجزخوانی یک پهلوان بزرگ...

وزیری یک مظهر زیبا و دوست‌داشتنی دیگری چپ کج شده و (آرشه) او روی سینه و یولون می‌را فراموش می‌کنید و خیال می‌کنید او باید فقط و شما خوابیده است بیدار کند ولی همین که اولیر مثل صدایی (... که بعد از خواب پریشانی خیال‌هایی آشفته را از سر شما بیرون می‌کند ایر می‌بینید که از سر انگشتان او آبشارها سرازیر می‌مرا اذیت می‌کنید اگر وزیری شما توانست هم موسیقی او را بنویسم.

ن وقتی است که سرش بر روی شانه ت سرپنجه گرم و شیرین تار زن او و تمام آن ضجه باشد که در روح روی سیمهای تار آشنا می‌کند. ن صبح بشارت می‌دهد و تمام از بین برده شما فقط شخصی را ای خروشان جاری می‌گردد. چرا را نوت بردارد منهم می‌توانم